

منزلت اجتماعی زنان مسلمان

از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است.



از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است.

با توجه به این که جامعه عبارت است از نظام روابط متقابل؛ مهمترین اجزای ساخت این نظام روابط متقابل عبارتند از پایگاه‌ها، نهادها و گروه‌های اجتماعی که اهمیت این موارد در جامعه شناسی بسیار است و از جمله این اجزای مهم منزلت اجتماعی است.

مفهوم منزلت اجتماعی

منزلت اجتماعی به پایگاه و موقعیت اجتماعی یک فرد در ساختار یک گروه یا جامعه گفته می‌شود و یا وقتی در نظر می‌گیریم که فرد در کجای جامعه قرار گرفته و چگونه باید با دیگران رابطه داشته باشیم، به منزلت اجتماعی او اشاره کرده ایم. وقتی مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر گفته می‌شود، به منزلت اجتماعی آن گروه اشاره داشته ایم. و همین پایگاه منزلتی فرد یا گروه است که حقوق و مزایای آن فرد یا گروه را تعیین می‌کند.

نکته قابل توجه این است که به طور طبیعی یک شخص می‌تواند هم زمان چندین پایگاه و موقعیت اجتماعی داشته باشد ولی در بین آنها یکی از همه پررنگ تر و برتر است که همان منزل برتر است که بیشترین اهمیت را در تثبیت هویت اجتماعی او دارد. منزلت با توجه به انتسابی و اکتسابی بودن تعاریف خاص خودش را پیدا می‌کند. منزلت انتسابی بر اصل و نسب فردی مبتنی است، اما منزلت اکتسابی بر شایستگی و انتخاب او.

طبقات اجتماعی و رد نابرابری‌ها در اسلام

از نظر اسلام، بشر خانواده ای بزرگ است. تنها یک خانواده که از آن را خداوند از جان واحدی پدید آورده است و از آن جان زوجش را آفرید و پس از آن دو، این همه زن و مرد در سراسر زمین پراکنده شدند. «و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف ألستکم و ألوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین» روم 22 «و از نشانه های خداوند آسمان و زمین و اختلاف زبان ها و رنگ های شماست، بی گمان در این امور نشانه هایی برای عالمان است.»

اختلاف زبان ها و رنگ ها تنها جلوه از قدرت خداست و مایه برتری یا امتیاز نمی‌شود.

از دیدگاه اسلام این گونه برتری یا امتیاز، منافای با فرمان خداست. قانون اسلام، قانون همگانی است و همه را به یک چشم می‌نگرد و فرصت‌های کار و کوشش و تأمین نیازمندی‌های شخصی نیز برای همه یکسان در نظر گرفته می‌شود. آنچه قرآن درباره اختلاف موجود میان افراد گفته، بر این اساس است که هر فردی باید نخست از فرصت عادلانه بهرمنده باشد، از آن پس اگر اختلافی بین افراد مشاهده شد، بازگشت به امور طبیعی دارد نه آن که ناشی از محرومیت‌های ظالمانه اجتماع باشد.

از دیدگاه اسلامی، بخشی از تفاوت‌های اجتماعی که از تفاوت‌های طبیعی و جبری سرچشمه می‌گیرد، نه از میان برداشتنی است و نه جای باید و نباید دارد و بخشی دیگر که زاینده نظام ارزشی و فرهنگ مردم است و از اختیار خود فرد و گرایش‌ها و خواسته‌های جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد، مشمول باید و نباید و توصیه و تکلیف است. اسلام وجود تفاوت‌های اجتماعی را کمابیش می‌پذیرد؛ اما نابرابری در جوامع را نمی‌پذیرد.

در اسلام طبقات ممتاز و مناسب موروثی وجود ندارد و اصول نظامات سیاسی اسلام بسیار ساده است و تمام کسانی که زیر نظر آن نظامات اداره می‌شوند از وضعیت و شریف، غنی و فقیر و سیاه و سفید مساوی هستند. یکی از آثار دین اسلام همین بود که رابطه برادری را میان مسلمانان که ازقبایل و نژادهای مختلف بودند برقرار ساخت و وحدت دینی را به جای وحدت قومی جایگزین کرده و بدین وسیله مسلمانان، صرف نظر از امتیازات نژادی با یکدیگر برابر شدند و تفاوتی میان وضع و شریف نماند و همه مسلمانان مانند بنایی استوار محکم شدند که اجزای مختلف آن پشتیبان یکدیگر بودند.

مقام و منزلت زن در اسلام با استناد به آیات و روایات

سیمای زن مسلمان در قریب به 400 آیه در قرآن کریم بیان شده است. این امر بیانگر اهمیتی است که این کتاب آسمانی به جایگاه و

نقش زنان داده است.

براساس مطالعات تاریخی، پیش از اسلام زن به عنوان ابزار اقوام و قبایل متمدن و به عنوان کالایی بی ارزش مورد توجه قرار می گرفت و هیچ جایگاهی در خانواده و اجتماع نداشت. با ظهور ادیان و به ویژه اسلام، شکاف عمیق بین زن و مرد از بین رفت، به صورتی که اسلام در کنار مردان بزرگ از زنان قدسیه ای که مظهر ایمان بوده اند، یاد می کند. از زانی همچون آسیه همسر فرعون، حضرت مریم، ساره، هاجر، خدیجه کبری و حضرت فاطمه زهرا (س) در قرآن یاد می شود.

در قرآن کریم به پنج اصل زینت، مساوات، الگو بخشی، کمالات معنوی و کرامات اشاره شده است که به توضیح مختصر آن پرداخته می شود:

قرآن کریم آفرینش زن و مرد را از یک سرشت و طبیعت معرفی می کند و با وجود تفاوت در خلقت زن و مرد پیوند آن ها را محکم کرده و به تقسیم حقوق و وظایف خانوادگی آنها پرداخته است. بنابر دیدگاه قرآن تمام آفریده ها برای انسان زینت و زن و مرد برای هم زینت هستند.

قرآن کریم اصل مساوات درباره زن و مرد را رعایت کرده و نظریات تحقیرآمیز درباره زنان را به شدت نکوهش کرده است. بیشتر آیات قرآن جنبه عمومی دارد و این بدان معناست که هر جا پای ارزش و عمل و سخن از مقام خلقت، عمل صالح و مقام است هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست. از آن جا که مخاطب قرآن کریم انسان است و تفاوت در بدن، تفاوت در مقام انسانیت نیست و چه بسا یک زن الگوی کامل برای همه انبای بشر باشد.

یکی دیگر از ارزش هایی که قرآن کریم بر آن تکیه کرده حیات طیبه است که مربوط به انسان ها بوده و برای بدست آوردن آن ایمان توأم با عمل صالح لازم است. عمل صالح انسان مؤمن مسیری است برای رسیدن به حیات طیبه که در آن زن و مرد می توانند با هم قدم بردارند.

قرآن کریم در کرامت و حرمت اشخاص، بین زن و مرد فرقی نمی گذارد و بین آنان در تدبیرشئون اجتماعی و دخالت اراده و مدیریت تساوی برقرار کرده است.

عدم تفاوت زن و مرد در کسب فضائل بشری از دیدگاه اسلام

از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت هایشان اجازه می دهد، می توانند در فعالیت ها شرکت کنند و از این جهت نیز تفاوتی بین زن و مرد در کسب فضائل بشری نیست.

نگاه به زن به عنوان یک عضو در خانواده

یکی از مهم ترین مباحث در رابطه با زنان این است که در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هر کس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین برای زن نیز در خانواده، حقوق معین شده است که آن هم از روی مصلحت است.

در همین راستا متوجه می شویم که اسلام تنها دینی است که شخصیت و حقوق زن را در ابعاد گوناگون و با توجه به توانمندی هایش منظور کرده است. در واقع حقیقت انسان از نظر قرآن کریم نه مذکر است و نه مؤنث. قرآن کریم می گوید: این دو را از چهره ذکورت و انوئت شناسید، بلکه از چهره انسانیت شناسید. در حقیقت انسان را روح او تشکیل می دهد، نه بدن او. 918/ ی703/ س

پی نوشت

مبانی جامعه شناسی/ منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق

جامعه شناسی عمومی/ منوچهر محسنی

مبانی جامعه شناسی / مجید کافی

در آمدی بر جامعه شناسی / بروس کوئن / مترجم محسن ثلاثی

مقالات: مقام و منزلت زن مسلمان در قرآن کریم / مجله کوثر/ بهار 1385 / شماره 2

بیانات مقام معظم رهبری در جمع خواهران ارومیه : 1375/6/28

منزلت زن از منظر قرآن / علیرضا صابریان / مجله انسان پژوهی دینی/ زمستان 1383 / ص 93 تا 112

مقایسه متون مربوط به زن در قرآن، تورات و انجیل / حمید شهریاری/ سادات حسینی/ مجله مباحث بانوان شیعه / زمستان 88 /

شماره 22/ ص155 تا ص 180

مجله رواق اندیشه / شماره 8

نویسنده: حجت الاسلام ولی الله معدنی پور، مبلغ دینی حوزه علمیه قم